روزنامه طلوع

تاریخ ۱۰ مهر ۱۳۹۸ چهارشنبه

صفحه ۶

شماره ۲۶۲۴

سال بیست و پنجم

ادبی و هنری

ابوسعید ابوالخیر

گفتم صنما لاله رخا دلدارا
در خواب نمای چهره باری یارا
گفتا که روی به خواب بی ما وانگه
خواهی که دگر به خواب بینی ما را

جلال خاوند

نفس پاییز

پاییز هوای ملس و فصل انارست
هنگامه دل دادن و بوسیدن یار ست
دیوانه انار دل ما سرخ‌تر از خون
دلتنگ‌تر از دانه یاقوت که در قلب حصارست
پاییز رسید و نفست گرمی آغوش
در مذهب ما بوسه اساس شب تارست
لبخند به لب، بوسه زدی قند من افتاد
یک بوسه شیرین دگر چاره کارست
یکبار دگر فصل انارست و خزان است
دل‌ها همه بر مزه پاییز دچارست
با خش‌خش پاییز هوایی شده شعرم
این تنت تو تن سمفونی پای نگارست
ای زانوی غم گرفته آغوش، زره‌پوش
ای غم‌زده پشت پنجره وقت شکارست
عالم شده مست از می و ما مست اناریم
در کنج لبت میکده نه باغ انارست
شیرین‌لبت طعم بهشتی است ولیکن
بدمستی ما زیر سر چشم خمارست
فرمان بده با رقص نگاه تو برقصیم
چون شعله شوریده که بر باد سوارست

لیلا کردبچه

هنوز قهوه‌های کافه‌نادری خوبند
هنوز بدیع‌زاده خوب می‌خواند
هنوز سعدی خوب می‌نویسد
و هنوز دلتنگ تو بودن خوب است
خوب است که هیچ‌کس اینجا نمی‌پرسد: «چرا دوتا قهوه؟»
خوب است که هیچ‌کس اینجا نمی‌فهمد چرا دوتا قهوه
خوب است که صدا به صدا نمی‌رسد اینجا وقتی داد می‌زنم: «آقا! دوتا قهوه!». آقا!
صدای خزان را پایین بیاور!
دیگر به تنم جان نمانده است
و اینکه در رفتن جان از بدن
مردم حرف‌های زیادی می‌زنند،
حرف زیادی می‌زنند
اینجا هنوز کسی‌ست
که به‌اندازه هزاران نفر، نیست
و جایش روی تمام صندلی‌ها خالی‌ست
کسی که هرسال پای تمام درختان «شد خزان» تازه‌ای خواهد کاشت
و کسی که تو را دیده باشد
پاییزهای سختی خواهد داشت...

محمدعلی بهمنی

باران پرنده‌ای است که بی بال و بی‌پر است
باور نکرده خاک برایش قفس‌تر است
برعکس من که با همه رؤیای خاکی‌ام
رؤیای آسمانی‌ام از جنسِ دیگر است
این باوری است خاص که شرحش برایتان
هم خنده‌آور است و هم گریه‌آور است
دلواپسم برای خودم؟! نه! برای او
باران که در تصورش از خود کبوتر است
باران زنی است بر لبه ابر، یا که نه
مردی است روی خاک که شرحش مُصَور است
باور کنید چترِ نجاتی نبوده‌ام
با بُغض بسته‌ای که فراسوی باور است
این نانوشته زخمیِ آن ناسروده است؛
کز هر زبان که می‌شنوی نامُکرر است

ایمان زارع

ندارد قصه ما طاقت افسانه‌ای دیگر
نسوزد شمع این محفل پر پروانه‌ای دیگر
تمام عمر گشتم تا بجویم گوهر مقصود
نفهمیدم ندارم غیر دل ویرانه‌ای دیگر
محبت لولویی در جان عاشق بود و صد افسوس
ندارد چشم غیر از اشک غم دردانه‌ای دیگر
شکستم قلب چون آیینه را، زیرا که می‌بینم
زده بر گیسوانت دست دیگر، شانه‌ای دیگر
ازآن‌رو جلد بام و جور پرورد قفس گشتم
که افتد ازسرم سودای آب و دانه‌ای دیگر
الا ای هم‌نشین دل تو و کاشانه‌ای دیگر
اگر دستی برافشانم به دور شانه‌ای دیگر
تو و دیوانه‌ای دیگر، ز خود بیگانه‌ای دیگر
الا یا ایها الساقی بده پیمانه‌ای دیگر
بده پیمانه‌ای دیگر
بده پیمانه‌ای دیگر

منتظر داستان و اشعار شما هستیم

لطفاً مطالب خود را با درج شماره تلفن به دفتر روزنامه یا آدرس الکترونیکی ذیل ارسال نمائید.
ضمناً روزنامه در ویرایش مطالب ارسالی، آزاد است و مطالب ارسالی برگشت داده نمی‌شود.

toloudaily@gmail.com

کارشناس (این شماره) سرویس ادبی-هنری: **طیبه خسروی**

نام داستان: یک اتفاقِ ساده (قسمت هشتم)

مرضیه قربانی زاده

چنددقیقه‌ای هیچ حرفی بین‌مان ردوبدل نشد تا اینکه بالاخره زبان‌باز کرد و گفت: چرا وقتی سرفراز ازت سؤال کرد، بهش نگفتی که من انداختمت تو آب؟!
چپ‌چپ نگاهش کردم و گفتم: فکر کردی همه مثل خودتن؟ فکر کردی من مثل تو عقده‌ای‌ام؟! فکر کردی کمبود دارم؟!
دستش را روی فرمان ماشین کوبید و گفت: خیلی خب بابا، آه.
- خودت سؤال می‌پرسی، خودتم عصبانی میشی؟ تو که نمیتونی حقیقت رو بشنوی چرا سؤال می کنی؟!
- ببین کاری نکن همینجا وسط جاده ولت کنم برما؟!
با تعجب نگاهش کردم و گفتم: یعنی واقعاً این کار رو می‌کنی؟ بابا چقدر تو باغیرتی، اصلاً چرا اومدی دنبال من؟ هیچ‌کس غیر از تو داوطلب نبود؟!
- واسه سرفراز بد می‌شد.
- آهان، نه اینکه تو هم خیلی نگران سرفرازی؟!
- سرفراز عمومه...
بهت‌زده نگاهش کردم و چیزی نگفتم که گفت: آروم و مؤدب بشین، رسیدیم پلیس راه، یه وقت نگی من با تو نسبتی ندارم؟
- این چه حرفیه، خدا اون روز رو نیاره که من با تو نسبتی داشته باشم!
چپ‌چپ نگاهم کرد و سرش را تکان داد، موهایم را مرتب کردم و بدون هیچ حرفی نشستم، اما با دیدن قیافهِ پلیسی که ایستاده بود استرس گرفتم، سعی کردم اصلاً به صورتش نگاه نکنم، همانطور به روبه‌رویم خیره شدم که گفت: گواهینامه لطفاً...
بهراد گواهینامه‌اش را بیرون آورد، نگاهش کردم و گفتم: بهراد؟ عزیزم من خسته‌م، کی میریم؟
با چشمان گرد شده نگاهم کرد و گفت: الان می‌ریم خانم...
به پلیس نگاه کردم، با تعجب نگاهمان می کرد، با دیدن قیافه‌اش هول کردم و با لبخند ملیحی ادامه دادم: چیه آقا؟ چرا تعجب کردین؟ خب همسرمه، سایه سرمه
خندید و گفت: تازه نامزد کردین؟!
- ای وای آره، شما از کجا فهمیدین؟!
خندید و گفت: کاملاً مشخص بود، مبارکه بفرمایید، شبتون بخیر.
بهراد سری تکان داد و حرکت کرد، وقتی از پلیس راه کمی دور شدیم، ماشین را نگه داشت و سرش را روی فرمان ماشین گذاشت و شروع کرد به خندیدن.
با تعجب نگاهش کردم و گفتم: چی شده؟ چرا می‌خندی؟!
آن‌قدر می‌خندید که نمی‌توانست حرف بزند، دستم را زیر چانه‌ام گذاشتم و متفکرانه نگاهش کردم، چندثانیه‌ای طول کشید که سرش را بالا آورد و نگاهم کرد و با خنده گفت: اصلاً نیازی نبود بهش بگی من سایه سرتم! فقط می‌خواست گواهینامه رو چک کنه، وای قیافه سرهنگه دیدنی بود، داشت می‌ترکید از خنده، خدا بگم چیکارت کنه دختر.
- راست میگی؟ ترسیدم بخدا، گفتم نکنه یهو بگه شناسنامتو بده، ما هم که با هم نسبتی نداریم، این آخر شبی گرفتار بشیم، خواستم خوب نقش بازی کنم که شک نکنه.
- نه نه اصلاً شک نکرد، خیالت راحت.
- خیلی خب حالا نمی‌خواد منو مسخره کنی، یه چیزی بگیر بخوریم، ضعف کردم، یکم جنتلمن باش.
سرش را تکان داد و راه افتاد، ناگفته نماند که در بین راه گهگاهی نگاهم می کرد و می‌خندید.
بالاخره ماشین را گوشه‌ای نگه داشت، آن‌قدر گرسنه‌ام بود که فرصت ندادم از ماشین پیاده شود، خودم با سرعت به سمت فست‌فودی که کنار خیابان بود دویدم و دو تا ساندویچ کتلت و دوغ گرفتم و سوار شدم، آن ساندویچی که کمی بزرگ‌تر بود را روی پایم گذاشتم و آن یکی را به سمت بهراد گرفتم و گفتم: بفرمایید اینم برای شما.
به ساندویچی که روی پایم بود اشاره کرد و گفت: اون رو بده به من، من هم سنم از تو بزرگتره، هم هیکلم از تو درشت تره.
- ولی من خیلی گرسنمه!
- خب منم گرسنمه!
-خیلی خب باشه، این یکی برای تو.
ساندویچ را از دستم گرفت و بدون هیچ تشکری، با کمال آرامش مشغول خوردن شد و راه افتاد، سرم را به صندلی چسباندم و بی‌اختیار خوابم برد.
وقتی بیدار شدم که صدای بهراد را شنیدم:
- خانومم؟ پاشو رسیدیم، مگه خسته نبودی؟ پاشو همسرتم خسته شده.
با تعجب چشمانم را باز کردم، چندثانیه‌ای مات و مبهوت نگاهش کردم که خندید، از پنجره، بیرون را نگاه کردم، جلوی خوابگاه بودیم، از ماشین پیاده شدم و گفتم: خودتو مسخره کن، ولی به‌هرحال ممنون، شبت بخیر، با خنده سرش را تکان داد و رفت.

ادامه دارد...

آگهی فقدان سند مالکیت بخش ۴ شیراز

آقای سعید قایدی بوکالت از حسین قایدی برابر وکالتنامه PONAMOF۹N۶K۷ مورخ ۹۸/۰۷/۰۱ سرکنسولگری جمهوری اسلامی ایران- دبی با تسلیم دو برگ استشهادیه که در دفتر اسناد رسمی شماره ۳۰۰ شیراز تنظیم گردیده است مدعی است که تعداد ۱ برگ سند مالکیت مربوط به ششدانگ پلاک ۲۵۴۱/۹۱۹۴ واقع در بخش چهار شیراز که ذیل دفتر ۱۳۹۷۲۰۳۱۱۰۰۱۰۳۳۸۰۹ املاک به نام حسین قایدی ثبت و سند مالکیت بشماره چاپی ۶۹۰۲۱۵ ب۹۷ صادر و در رهن نیست به علت سرقت مفقود گردیده است و نامبرده تقاضای صدور سند المثنی نموده است مراتب طبق ماده ۱۲۰ اصلاحی آیین نامه قانون ثبت آگهی می شود که هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله ای کرده و یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می باشد تا ده روز پس از انتشار آگهی به ثبت محل مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارایه اصل سند مالکیت یا خلاصه معامله تسلیم نماید و اگر ظرف مدت مقرر اعتراضی نرسیده و یا در صورت اعتراض اصل سند ارایه نشود اداره ثبت سند مالکیت المثنی را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد. ۷۷۷۷/م الف ۳۱۶۹۴/۱۹۱۳۳۳

حمید کشاورز – رییس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه ۱ شیراز

آگهی فراخوان

شرکت شهرکهای صنعتی فارس

شرکت شهرکهای صنعتی فارس در نظر دارد تعدادی قطعه زمین در شهرکها و نواحی صنعتی استان از طریق مزایده عمومی و طبق ضوابط و مقررات و دستورالعمل حق بهره برداری سازمان صنایع کوچک و شهرکهای صنعتی ایران به اشخاص حقیقی و حقوقی واجد شرایط تخصیص دهد. لذا بدینوسیله از کلیه متقاضیان دعوت می شود نسبت به ثبت نام در سامانه تدارکات الکترونیک دولت بخش مزایده سپس نسبت به دریافت اسناد از طریق سامانه اقدام نمایند.

۱.تاریخ اخذ اسناد در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت : از ۱۳۹۸/۰۷/۰۹ لغایت ۱۳۹۸/۰۷/۲۰
۲.آخرین مهلت تسلیم پیشنهادها، در سامانه تدارکات ساعت ۱۴ مورخ ۱۳۹۸/۰۷/۲۰ و فیزیکی پاکت الف (ضمانت نامه یا فیش نقدی) ساعت ۱۶ مورخ ۱۳۹۸/۰۷/۲۰ دبیرخانه شرکت.
۳.تاریخ کمیته بازگشایی پاکت ها : ۱۳۹۸/۰۷/۲۱
۴.سایر اطلاعات و جزییات مربوطه در اسناد فراخوان درج شده است.

تلفن تماس : ۳۲۳۶۰۵۷۰ ۳۱۷۰۰

آگهی فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله ای شماره س-۹۸-۳۲ (۸۷۲۸۰۰۳۷)

۱- موضوع مناقصه: "احداث ابنیه های فنی بر روی مسیر خطوط لوله ۱۶ اینچ داراب. ۱۰ اینچ نی ریز و ۸ اینچ زرین دشت در محدوده مرکز بهره‌برداری خطوط لوله جهرم"
۲- نام و نشانی دستگاه مناقصه گزار: شیراز- بزرگراه امام خمینی- حدفاصل شهرک فرهنگیان و فرزانگان- منطقه پنج عملیات انتقال گاز- امور پیمانها
۳- میزان و نوع تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: مبلغ ۳۰۷/۱۱۹/۳۹۰(سیصد و هفت میلیون و یکصد و نوزده هزار و سیصد نود) ریال مطابق آیین نامه تضمین معاملات دولتی
۴- مبلغ برآورد اولیه مناقصه: مبلغ ۶/۱۴۲/۳۸۷/۸۰۱ (شش میلیارد و یکصد و چهل و دو میلیون و سیصد و هشتاد و هفت هزار و هشتصد و یک)ریال براساس فهارس بهای سال ۱۳۹۸
۵- مهلت اعلام آمادگی، دریافت اسناد مناقصه و کار برگهای استعلام ارزیابی کیفی: از تاریخ درج آگهی نوبت اول لغایت پایان وقت اداری روز شنبه مورخ ۹۸/۰۷/۲۰ می باشد.
۶- مهلت عودت اسناد و مدارک ارزیابی کیفی: حداکثر تا ساعت ۱۶ روز شنبه مورخ ۹۸/۰۸/۰۴
۷- رتبه مورد نیاز: رتبه معتبر پایه ۵ در رشته ابنیه و ساختمان یا رتبه معتبر پایه ۵ در رشته راه و ترابری از سازمان برنامه و بودجه و همچنین ارائه گواهی صلاحیت معتبر ایمنی امور پیمانکاران از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در زمان عودت مدارک استعلام ارزیابی کیفی و همچنین در مرحله گشایش پاکات و انعقاد قرارداد الزامی است.
۸- مدارک مورد نیاز جهت تحویل اسناد: نامه اعلام آمادگی و معرفی نامه، یک نسخه برابر اصل از کلیه مدارک گواهی صلاحیت معتبر، گواهی کداقتصادی، شناسه ملی و گواهی ثبت نام در نظام مالیات بر ارزش افزوده، تصویر اساسنامه، آگهی تاسیس و آخرین آگهی تغییرات رسمی شرکت
۹- قیمتها متناسب با کالای ساخت داخل با لحاظ کیفیت ارائه گردد.
مناقصه گران جهت کسب اطلاعات بیشتر به پایگاه اطلاع رسانی الکترونیکی منطقه به آدرس http://www.nigc-dist5.ir (بخش آگهی ها- مناقصه های پیمان) مراجعه و یا با شماره تلفن ۳۸۱۳۲۳۱۹-۰۷۱/ ۳۸۱۳۲۳۱۰ - ۰۷۱ امور پیمانهای منطقه تماس حاصل فرمایند. شماره مجوز: ۱۳۹۸،۴۰۹۳
نوبت اول: چهارشنبه ۱۳۹۸/۰۷/۱۰ نوبت دوم: شنبه ۱۳۹۸/۰۷/۱۳
۳۱۶۹۶ **روابط عمومی منطقه پنج عملیات انتقال گاز**

آگهی فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله ای شماره س-۹۸-۲۹ (۸۷۲۸۰۰۳۴)

۱- موضوع مناقصه: "مرمت و بازسازی و احداث ابنیه های فنی در مسیر دسترسی به ایستگاه مخابراتی میان کتل"
۲- نام و نشانی دستگاه مناقصه گزار: شیراز- بزرگراه امام خمینی- حدفاصل شهرک فرهنگیان و فرزانگان- منطقه پنج عملیات انتقال گاز- امور پیمانها
۳- میزان و نوع تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: مبلغ ۱۸۴/۴۲۵/۱۹۶(یکصد و هشتاد و چهار میلیون و چهارصد و بیست و پنج هزار و یکصد و نود و شش) ریال مطابق آیین نامه تضمین معاملات دولتی
۴- مبلغ برآورد اولیه مناقصه: مبلغ ۳/۶۸۸/۵۰۳/۹۱۶ (سه میلیارد و ششصد و هشتاد و هشت میلیون و پانصد و سه هزار و نهصد و شانزده) ریال براساس فهارس بهای سال ۱۳۹۸
۵- مهلت اعلام آمادگی، دریافت اسناد مناقصه و کار برگهای استعلام ارزیابی کیفی: از تاریخ درج آگهی نوبت اول لغایت پایان وقت اداری روز شنبه مورخ ۹۸/۰۷/۲۰ می باشد.
۶- مهلت عودت اسناد و مدارک ارزیابی کیفی: حداکثر تا ساعت ۱۶ روز شنبه مورخ ۹۸/۰۸/۰۴
۷- رتبه مورد نیاز: رتبه معتبر پایه ۵ در رشته ابنیه و ساختمان یا رتبه معتبر پایه ۵ در رشته راه و ترابری از سازمان برنامه و بودجه و همچنین ارائه گواهی صلاحیت معتبر ایمنی امور پیمانکاران از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در زمان عودت مدارک استعلام ارزیابی کیفی و همچنین در مرحله گشایش پاکات و انعقاد قرارداد الزامی است.
۸- مدارک مورد نیاز جهت تحویل اسناد: نامه اعلام آمادگی و معرفی نامه، یک نسخه برابر اصل از کلیه مدارک گواهی صلاحیت معتبر، گواهی کداقتصادی، شناسه ملی و گواهی ثبت نام در نظام مالیات بر ارزش افزوده، تصویر اساسنامه، آگهی تاسیس و آخرین آگهی تغییرات رسمی شرکت
۹- قیمتها متناسب با کالای ساخت داخل با لحاظ کیفیت ارائه گردد.
مناقصه گران جهت کسب اطلاعات بیشتر به پایگاه اطلاع رسانی الکترونیکی منطقه به آدرس http://www.nigc-dist5.ir (بخش آگهی ها- مناقصه های پیمان) مراجعه و یا با شماره تلفن ۳۸۱۳۲۳۱۹-۰۷۱/ ۳۸۱۳۲۳۱۰ - ۰۷۱ امور پیمانهای منطقه تماس حاصل فرمایند. شماره مجوز: ۱۳۹۸،۴۰۹۰
نوبت اول: چهارشنبه ۱۳۹۸/۰۷/۱۰ نوبت دوم: شنبه ۱۳۹۸/۰۷/۱۳
۳۱۶۹۷ **روابط عمومی منطقه پنج عملیات انتقال گاز**